

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۷ اگست ۲۰۱۱

ازدواج و نکاح اسلامی؟

۲

قبل از همه با کمال احترام ضمن اظهار سپاس از گردانندگان پورتال عزیز "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به خاطر آنچه انجام می دهند و راهی که اختیار نموده اند، خواهشمندم تا اگر کلمات و یا جملات خلاف عفت قلم می بینند لطفاً آنرا تصحیح و یا اصلاً نشر نکنند. با وجودیکه من نهایت تلاش خود را نموده ام تا با استفاده از کلمات خوب در ترجمه نوشته های عربی مندرج این تبصره خوشنودی خوانندگان معزز را میسر ساخته باشم.

بخش دوم

از اینکه ما **نا خواسته** در یک فامیل مسلمان که آن ها هم از فامیل قبلی نا خواسته مسلمان پا به دنیا گذاشته ایم اجباراً باید مسلمان بوده و در تحت قیودات شدید رژیم های اسلامی و هدایات هر کهنه پرست و خرافاتی با سر دمداری پیشوایان دینی باید اسم عربی، داشته و مجبور به عبادت و پرستش آنچه اعراب به اجداد ما به زور شمشیر آموخته اند، باشیم. یعنی وقتی که با خدا صحبت می داریم باید **به زبان عربی** باشد این مهم نیست که ما چیزی از آن **نمی فهمیم** این مهم است که **خدا فقط عربی می فهمد** و عرب را دوست دارد پس ما باید سعی باشیم تا یا خود را به تقلید از گفتار و رفتار اعراب ساخته یا اینکه چشم بسته تسلیم هدایات شان باشیم. به هر صورت چون نوشته ای را از قلم همکار گرامی پورتال آقای "داکتر امین الدین سعیدی" که از لحظ شخصی بنده نیز به ایشان احترام دارم، به ارتباط نکاح اسلامی و تشریح رواج های عنعنه ئی خود ما در همین پور تال گرانمایه خواندم با خود گفتم بد نخواهد بود اگر من هم در تشریح ازدواج و نکاح اسلامی سهمی گرفته و بیانگر آن چیز هائی باشم که **عرب پسندان** و وابسته های اسلامی از دید ما پنهان داشته و نخواسته اند ما از آن باخبر باشیم.

به نظر من **نکاح اسلامی یک عملی است مساوی به زناى قانونى شرعى اسلامى**؟؟ چون ازدواج را باید یک رابطه‌ای تفاهم - هم آهنگی و مخصوصاً رابطه‌ی عشقی انسانی بین دو موجود زن و مرد که بنیاد یک زندگی مشترک را می‌گذارند، نامید که آن‌ها با محبت و علاقه - ایثار و فداکاری و برده باری خانواده‌ای را تشکیل و در راه ایجاد سعادت فامیلی خود با هم همکاری بی‌آلایشانه داشته و در همه امور از **((حقوق))** و **((واجب))** مساوی برخوردار باشند و مساویانه نیاز های مادی و معنوی همدیگر را تا آنجا که شرایط زندگی به اوشان اجازه عملی شدن آنرا می‌دهد مرفوع سازند. اگر مرد به زن منحيث یک ماشين توليد و يا یک نوکر خانه و يا فراهم کننده وسايل آرامش مرد نگاه نماید اين یک نیاز است که مرد به زن دارد نه عشق و علاقه انسانی و يا اینکه تصور نماید که زن باید همیشه جوابگوی نیاز های شهوانی او بوده و آماده پذیرش مرد باشد طوری که حبيب خدا محمد فرموده.. **(زن نباید خواست جماع شوهرش را رد کند ولو اینکه در پشت پالان شتر باشد)** اين صحبت‌ها در نوشتار قبلی‌ام مفصل تشریح شده است).

این طرز دید گاه نمی‌تواند عشق مساوی، محبت برابر و آزادی جنس زن را تجلی دهد بلکه نشان دهنده **حاکمیت مرد بر زن است** و زن وسیله خوشی مرد. و این عدم تعادل حقوقی انسانی نمی‌تواند بنیاد گذار یک فامیل و جامعه خوب باشد از آنجائی که اسلام **یک دین زن ستیز و ضد کرامت انسانی بوده است** و من نوشته‌های متعددی که در آرشیف همین پور تال آزادگان موجود است، پیرامون حقوق مرد و زن در اسلام و زن ستیزی محمد و قرآن نوشته‌ام که علاقه‌مندان عزیز برای تأیید نمودن و یا رد کردن آن نوشته وقت کافی خواهند داشت و درین نوشته فقط نگاه مختصری پیرامون **نکاح اسلامی** که از ۱۴۰۰ سال به اینطرف فضای تمام آداب و مراسم خانوادگی ما را احاطه نموده و به صورت تحمیلی مجبور به اطاعت از آن هستیم ببینیم، تا ببینیم **این نکاح اسلامی چیست؟؟**

در اسلام دو نوع زن وجود دارد **یکی زن آزاد و یکی هم زن کنیز**. کنیز کسی است، یعنی زنی است که منحيث برده خریده شده و یا اینکه به اثر غزوات محمد پیامبر اسلام و اطرافیان دور و برش به قبيله‌های دیگر منحيث غنیمت هم به خودشان و هم به اشغالگران مسلمان رسیده باشد. مثل مال و زر در جمله **غنیمت شمشیر زنان عرب** به هدایت قرآن آنان را چه شوهر دار بوده‌اند و چه بی شوهر. آنها را مالک شده‌اند و اختیار همه جانبه در مورد این اموال برای‌شان داده شده است. و مالکان هر وقتی خواسته‌اند به آنها تجاوز جنسی نموده و همچنان در اجرای کار های روز مره از آنها استفاده شده است و بعضاً هم منحيث تحفه به دوستان و اقربا بخشش شده‌اند و یا اینکه در بازار برده فروشان به فروش رسیده‌اند.. **خاتم المرسلین حبيب خدا یعنی محمد یکی از کنیزان همسرش ماریه نام داشت محمد روزی در اتاق حفصه دختر عمر صاحب کنیز که خاتم شان بود و در خانه نبود طاقت نیاورده و با ماریه همبستر شد که به نسبت اشتباه در محاسبه زمان حفصه سر رسید (به هر صورت جریان این ماجرا را قبلاً به استناد معتبر ترین کتاب‌ها نوشته‌ام).**

نوع دوم زنان در اسلام به نام زنان آزاد یاد می‌شوند البته غلط فهمی نشود **آزاد نه به مفهوم اینکه آن‌ها آزادی کامل و اختیارات تام در تصمیم‌گیری موضوعات دارد** آزاد به مفهوم آن که کنیز و برده نیست و نکاح اسلامی هم در مورد همین زنها می‌باشد. حال یک نگاه مختصر به چند آیتی از قرآن به ارتباط این موضوع انداخته و خواهیم دید که آیا درین نکاح اسلامی **حقوق طرفین محفوظ است** یا نه؟؟ زن و حق او به ارتباط نکاح اسلامی چیست؟؟ اولاً مفهوم کلمه نکاح را نظر به تشریحات علمای عربی و فارسی زبانان از هفت فر هنگ معتبر عربی - انگلیسی به عربی - عربی به انگلیسی و فارسی به فارسی گرفته و خدمت خوانندگان گرامی تقدیم داشته که **معلوماتی هم باشد برای آنانی که نمی‌خواهند بپذیرند که در نکاح اسلامی تساوی بین زن و مرد وجود ندارد**، پیکش می‌نمایم:

فرهنگ لغت عربی (التوقیف علی مهمات التعاریف) تألیف الشیخ الامام عبدالرؤف بن المناری در صفحه ۳۳۰ کلمه (نکاح) را چنین تعریف و تفسیر کرده است:

النکاح: **ایلاج ذکر فی فرج لیصیر ید لک کالشی الواحد**. فرهنگ لغات عربی به عربی (التعریفات) تألیف علامه علی بن محمد الجرجانی در صفحه ۲۵۵ کلمه (نکاح متعه) را چنین تعریف کرده است:

نکاح المتعه: و هو أن يقول الرجل لا مراة خذی هذه العشرة امتع بك مده معلو مه فقیلته. فرهنگ لغت انگلیسی در صفحه ۱۸۳ در باره George Badge تألیف An English Arabic Lexicon به عربی در زبان عربی چنین نوشته است: **تنکاح - جامع Copulation مفهوم کلمه اما فرهنگ مشهور و معتبر دهخدا در Sexually copulate.V.I. TO unite در جلد "۱۳" صفحه ۲۰۰۵۸ کلمه نکاح را ضمن سایر معانی "بغل خوابی" و در همان جلد و همان صفحه "نکاح متعه" را از فر هنگ منتهی الارب بر داشت کرده و آنرا آشکارا (گ.....)** **معنی کرده و فرهنگ های لغت (تاج المصادر) و (روزنی) کلمه نکاح را (جماع کردن) تعریف کرده‌اند.**

من واقعاً از ترجمه نمودن تعریفات بالا به خاطر مراعات نمودن **عفت قلم منصرف** شدم. همین حالا هم به اصطلاح زیر آب و عرق شده‌ام. همین قدر را هم غرض اطلاع خوانندگان عزیز با کمال پوزش و معذرت نوشتم و از تفسیر و ترجمه زیاد گذشته فقط با ذکر کلمات به کار رفته در فرهنگ (التوقیف علی مهمات التعاریف) کلمه به کلمه آنرا در بین ناخنک ترجمه نموده و خدمت خوانندگان ار جمند تقدیم می‌دارم. امید این ترجمه حمل بر بی حیائی این قلم تعبیر نگردد:

ایلاج (وارد کردن) ذکر (آلت تناسلی مرد) فی (در) فرج (آلت تناسلی زن) لیصر (برای اینکه بشود) کالشی الواحد (یک جسم واحد) ترجمه فارسی تعریف نکاح متعه در فرهنگ التعاریف نیز بدین شرح است:
نکاح متعه یعنی اینکه مرد به زنی بگوید این پول را بگیر و برای مدت معینی خود را در اختیار من بگذار و

همچنان در زبان (فقها) مهریه که در هنگام نکاح به زن داده می‌شود (حق البضع) نامیده می‌شود که امیدوارم خوانندگان گرامی مفهوم آنرا از عرب زبان و یا دوستان شان که بر زبان عربی تسلط داشته باشند بپرسند **نظر به زشتی آن من نمی‌توانم آنرا تر جمه نمایم .**

حال بپردازیم در موضوعات حقوقی دو جفت یک زن و یک مرد که با هم نکاح اسلامی می‌کنند:

هدایات قرآن در ین باره چنین است:

اگر بترسید که مبدا در باره یتیمان مراعات عدل و داد نکنید پس آن کس از زنان را به نکاح خود آرید که مر شما را نیکو و مناسب با عدالت است دو یا سه یا چهار و اگر بترسید که چون زنان متعدد بگیریید راه عدالت نیپموده و به آنان ستم کنید پس تنها یک زن اختیار کرده **و یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفاء کنید** که این نزدیکتر به عدالت و ترک ستمگاری است. سوره نساء آیت ۳ (درین آیت کنیز از حق زن بودن هم محروم شده است) نا گفته نبایدگذاشت که ازدواج یا نزدیکی نمودن با کنیز در هر وقتی که مالک لازم دیده قبل از اسلام در بین اعراب رایج بوده که محمد با اصدار آیت فوق آنرا رسماً و شرعاً مقدس ساخته است در ین آیت قرآن به وضاحت دیده می‌شود از عدالت گفتار شده یعنی عدالت در خوراک - پوشاک و عدالت در همبستر شدن و صحبتی از محبت طرفین نیست که تشکیل خانواده روی آن استوار باشد یعنی زن به حیث یک جنس و متاع خریداری شده و این مرد است که در بر خورد با زن عدالت را مد نظر داشته باشد نه زن؟؟ زن هیچ کاره است، **او جامد و کشتزار است، عاطفه و احساس ندارد؟ خواسته‌های جنسی ندارد؟ فقط باید آماده خدمت و جماع با شوهرش باشد در هر وقتی که جناب شان تصمیم بگیرند.** اگر خواننده‌ای درین آیت قرآن چیزی راجع به محبت و دوستی بین زن و مرد می‌بینند لطفاً مرا بی‌خبر نگذارد و تا آنجا که روایات اسلامی خیر می‌دهد **حبیب خدا هم نتوانسته در بین ۴۷ زن و کنیز خود عدالت نماید** چون بیشتر روایات در **همخوابگی جناب شان با عایشه است؟؟** آیتی دیگری از سوره نساء که آیت ۳۴ است را می‌خوانیم:

(مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه ای آنکه مردان از مال خود باید به زن نفقه دهند پس **زنان شایسته و مطیع در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند و آنچه را که خدا به حفظ آن امر فر موده نگه دارد و زنانی که از مخالفت و نافرمانی آنان بیمناکید باید نخست آنها را مو عظه کنید اگر مطیع نشدند از خوابگاه آنان دوری گزینید باز مطیع نشدند آنها را به زدن تنبیه کنید چنانچه اطاعت کردند دیگر بر آنها حق هیچ گونه ستم ندارید که همانا خداوند بزرگوار و عظیم الشان است) و در آیت ۲۲۳ سوره بقره (گاو) خدائی که دشمن زن است چنین می‌گوید:**

(زنان شما کشتزار شمایند و برای کشت به هر طوری که خواستید به آنها نزدیک شوید هرگاه مباشرت آنان خواهید و برای ثواب ابدی چیزی پیش فرستید و خدا ترس باشید.....) چیزی که از آیات فوق استنباط می‌شود آنست که پیوند زنا شویی اسلامی بر روی مادیات و برتری مرد و نادیده گرفتن حقوق انسانی زن استوار است نه علاقه و

محبت طرفین؟؟ فقط زن همیشه آماده باشد تا به حیوانی به نام مرد سواری بدهد (از هموطنان و خوانندگان عزیز
معذرت می خواهم فقط منظورم گاو صفتان و وحشی است) و در مقابل نان بخورد؟؟ این است آنچه قرآن می گوید.
این چند آیتی که در بالا ذکر شد ساخته و پرداخته ذهن من و آدم دیگری نیست. همه از مغز محمد بیرون آمده و به
نام خدای زن ستیز قلمداد شده است.
روی ملحوظات خاص صدر اسلام سن ازدواج در اسلام تعیین نشده است اما پیشوایان اسلام اهل فقه و دانشمندان
مدرن با روایات اسلامی فرموده اند که (از دواج با طفل ۴ ساله جایز است ولی هم خوابگی با او و یا طلاق زن تا
۹ سالگی جایز نیست) من قبلا در نوشته هایم از قول علمای مدرن اسلامی که می گویند و می نویسند که لذت بردن
از طفل نکاح شده به شرطی که به طفل آزار نرسد جایز است، یادمانی نموده ام. پس از مردان وحشی صفت
عرب نباید توقع حق دادن انسانی برای زن داشتو اصلاً زن در نکاح اسلامی حقی ندارد همه را در مقابل یک مشت
پول (مهریه) به مرد فروخته است. این نکاح اسلامی حیثیت یک زنای شرعی و قانونی که جبراً بر زن تحمیل
می شود را دارد که در هیچ جای آن از عشق و محبت انسانی در تشکیل خانواده سخنی به میان نیست فقط و

تمام

ادامه دارد